

تحلیل گفتمان انتقادی شیوه نام‌گزینی و حضور یا عدم‌حضور ایران در مطالب نشریه آمریکایی تایم از دهه ۱۹۲۰

رضا خیرآبادی*

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۸

دریافت: ۹۳/۷/۲۷

چکیده

شیوه نام‌دهی (تشخص‌بخشی یا تشخص‌زدایی) و بازنمایی افراد و گروه‌ها در تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه رویکرد ون‌لیون اهمیتی بسیار دارد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی شیوه نام‌گزینی و بازنمایی کشور «ایران»، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینان منطقه حساس خاورمیانه و رقیب سیاسی و ایدئولوژیک ایالات متحده آمریکا، در بیش از سه‌دهه اخیر در مجله آمریکایی *تایم* است. در این مقاله نحوه حضور یا عدم‌حضور نام ایران و شیوه خطاب نام این کشور (ایران در برابر جمهوری اسلامی ایران) در پیکره مجله *تایم* در چارچوب الگوی اجتماعی-معناشناختی ون‌لیون بررسی شده است. داده‌های پژوهش بیش از ۵۰۰۰ هزار مطلب و خبر درباره ایران بوده که از میان محتوای مطالب منتشرشده در مجله *تایم* از دهه ۱۹۲۰ تا ۲۰۱۰ انتخاب و تحلیل شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده آن است که تعداد و همچنین شیوه بازنمایی ایران در مجله مذکور در دهه‌های مختلف با تفاوت‌های معناداری روبه‌رو بوده است و در این میان، نام‌دهی ایران با سیستم حکومتی آن، کاملاً جهت‌گیرانه و در راستای اهداف و اغراض گردانندگان و سیاست‌گذاران نشریه *تایم* بوده است. به‌گونه‌ای که در برابر بیش از ۲۵۰۰ بار ارجاع به نام ایران از سال ۱۹۸۰ به بعد فقط ۸ مورد ارجاع به نام «جمهوری اسلامی ایران» عمدتاً در بافت‌های منفی به‌همراه تشخص‌بخشی منفی همراه با توصیف‌گرهایی به‌شدت سوگیرانه وجود داشته است. نتایج این پژوهش افزون‌بر یافته‌های نظری می‌تواند رهیافتی تازه در برداشت مخاطبان عام رسانه‌های مهم بین‌المللی نیز به‌شمار آید.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، نام‌دهی ایران، مجله *تایم*، الگوی ون‌لیون، شیوه نام‌دهی.

۱. مقدمه و طرح مسئله

تحلیل گفتمان انتقادی^۱ نسبت به تحلیل متن، رویکردی زبان‌شناختی است که می‌کوشد با کشف و آشکار ساختن اهداف پنهان در ورای یک متن – یا به تعبیر کلان‌تر یک گفتمان – مخاطبان آن متن را به سطحی ژرف‌تر از تحلیل رهنمون سازد و با دیدی انتقادی نیات پدیدآورندگان را به قضاوت مخاطبان بگذارد. فرکلاف^۲ (2001, Intr.) معتقد است:

تحلیل گفتمان انتقادی افزون‌بر عریان‌سازی چگونگی عملکرد زبان در ابقا و تغییر روابط قدرت در جوامع معاصر، می‌کوشد شناخت و آگاهی مردم را از نقش زبان در شکل‌دهی، حفظ یا تغییر روابط قدرت که منجر به ایجاد سلطه و استعمار می‌گردد، فزونی بخشد. آگاهی موردنظر در نهایت ممکن است به ایجاد تغییر یا مقاومت در برابر این روابط و نظام ناعادلانه منجر گردد (Ibid).

در این میان، بررسی شیوه عملکرد رسانه‌های کلان و تأثیرگذار بین‌المللی در شکل‌دهی به افکار عمومی در عرصه جهانی نقشی مهم و درخور توجه می‌یابد، به گونه‌ای که تعداد معدودی خبرگزاری و نشریه مهم بین‌المللی تغذیه‌کننده بخش عظیمی از مطبوعات و رسانه‌های محلی و منطقه‌ای‌اند و از آنجا که این اتحادیه‌های بزرگ رسانه‌ای بازتاب‌دهنده اهداف و سیاست‌های گردانندگان خود هستند؛ بنابراین در سطوح مختلف، سلطه صاحبان رسانه‌های بزرگ بین‌المللی در عرصه جهانی حفظ می‌شود و به عبارت دیگر جهانیان از منظر مطلوب این اقلیت پرنفوذ رسانه‌ای به جهان و رخدادهای آن می‌نگرند.

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی شیوه پوشش اخبار ایران (حضور یا عدم حضور) و نحوه نام‌دهی این کشور – به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی – در مجله آمریکایی **تایم** از دهه ۱۹۲۰ میلادی تاکنون در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است و کوشش بر این است که به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. توزیع بسامدی اخبار مربوط به ایران در دهه‌های مختلف انتشار مجله **تایم** چگونه است؟

۲. شیوه نام‌دهی «ایران/ جمهوری اسلامی ایران» در این نشریه چگونه است و چه رابطه مضمونی‌ای میان کاربرد نام سیستم حکومتی ایران با محتوای مطالب وجود داشته است؟
فرضیه‌های پژوهش، حاکی از آن است که نشریه آمریکایی **تایم** در مقاطع مختلف تاریخی هم به لحاظ بسامد تکرار نام ایران و هم از نظر نحوه نام‌گزینی «ایران» در برابر «جمهوری اسلامی ایران» سوگیرانه و متناسب با روابط ایران با ایالات متحده آمریکا عمل کرده است.

حین پاسخ به دو پرسش یادشده، برخی موارد فرعی مانند رابطه بسامد پوشش اخبار ایران در هر دهه با اوضاع اجتماعی-سیاسی ایران نیز بررسی می‌شوند. بی‌شک بسامد و شمار اخبار پوشش داده شده و ذکر نام یک کشور در مجله صاحب‌نفوذی مانند **تایم** می‌تواند بازتاب‌دهنده سیاست‌گذاری‌های گردانندگان آن تلقی گردد؛ به ویژه هنگامی که نام ایران در مقایسه با نام سیستم حکومتی کشورمان

یعنی «جمهوری اسلامی ایران» مورد مطالعه قرارگیرد.

میزان حضور و شیوه نام‌دهی و خطاب افراد، گروه‌ها و کشورهای مختلف در رسانه‌های مهم و تأثیرگذار بین‌المللی یکی از مواردی است که مورد توجه تحلیل‌گران بین‌المللی بوده است و زبان‌شناسان به‌ویژه در قالب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، به این موضوع توجه فراوان نموده‌اند. هرچند ون‌دیک^۳ (۱۹۸۹) و فاولر^۴ (۱۹۹۱) یکی از نخستین موارد بررسی چگونگی نام‌دهی و کنشگری نقش‌آفرینان در رخدادهای اجتماعی، در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به‌شمار آمده‌اند؛ پیشینه بررسی نحوه پوشش اخبار مربوط به کشورهای جهان به بسی پیش‌تر از اثر برجسته وی بازمی‌گردد. برای نمونه گالتانگ و روژ^۵ (۱۹۶۵)، مقاله بنیادین و جریان‌ساز خود را با عنوان «ساختار اخبار خارجی»^۶ که آفریننده نظریه ارزش‌های خبری شد، بر مطالعه شیوه پوشش اخبار بحران‌های بین‌المللی در مطبوعات محلی نروژ بنا نهادند و میزان و نحوه بازنمایی بحران‌های بین‌المللی را در مطبوعات ملی و محلی به‌طور کمی و کیفی بررسی کردند.

جریان تحلیل انتقادی گفتمان، از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی با رشد چشمگیری روبه‌رو شد و در این میان، تحلیل رسانه‌ها و اخبار، جایگاه ویژه‌ای را در پیکره پژوهش‌های انجام‌شده در بطن این رویکرد به خود اختصاص دادند. شمار قابل‌توجهی از پژوهش‌های زبان‌شناختی انجام‌گرفته در زمینه تحلیل اخبار در چارچوب تحلیل گفتمان (انتقادی) در سال‌های اخیر، ملهم و متأثر از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی بوده و تأثیر این رویکرد نقش‌گرا در آثار زبان‌شناسان گفتمان‌کاو به‌ویژه آثار فاولر و فرکلاف بسیار مشهود است. در زمینه پیشینه و پایگاه نظری پژوهش‌های گفتمانی در عرصه خبر، آقاگل‌زاده و دیگران (۱۳۹۲) معتقداند:

با گسترش دامنه پژوهش‌ها از یکسو و پیدایش و گسترش رسانه‌های نوین به‌ویژه فراگیر شدن پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای، پژوهش‌های زبان‌شناختی انجام‌شده در حوزه زبان و خبر از تنوع بیشتری برخوردار گردید؛ اما کماکان رویکردهایی مانند رویکرد جامعه‌شناختی فرکلاف، رویکرد اجتماعی-تاریخی ون‌داک، مطالعات اجتماعی-شناختی ون‌داک و رویکرد جامعه‌شناختی-معنایی ون‌لیون به اخبار به‌عنوان منسجم‌ترین و اصلی‌ترین پایگاه‌های نظری پژوهش‌های زبان‌شناختی انجام‌گرفته در زمینه زبان و خبر محسوب می‌شوند، هرچند رویکردهای دیگری مانند نظریه سیاسی اجتماعی لاکلاو و موفه و آنچه در پژوهش‌های کرس به‌چشم می‌خورد، نیز مورد توجه محققان این حوزه بوده‌اند (همان: ۳).

یکی از رویکردهای غالب در مطالعات تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی اجتماعی-معناشناختی ون‌لیون^۷ (۲۰۰۸) است که به‌لحاظ ویژگی‌های بالقوه‌اش مورد توجه طیف وسیعی از پژوهشگران، به‌ویژه علاقه‌مندان به بررسی شیوه تصویرسازی کنشگران اجتماعی-سیاسی در رسانه‌ها قرار گرفته است. این الگو که به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر نیز انتخاب شده، از بطن دستور نقش‌گرا برخاسته

است؛ اما دارای ویژگی‌هایی است که در بخش مربوط به چارچوب نظری پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی در چارچوب الگوی اجتماعی-معناشناختی ونلیون در کشور ما نیز انجام شده است. برای نمونه آقاگل‌زاده و دیگران (۱۳۹۲) به بررسی شیوه بازنمایی کنشگران پرونده هسته‌ای ایران در مطبوعات غربی پرداخته و سوگیری مطبوعات اروپایی و آمریکایی را در بازنمایی طرف‌های حاضر در این پرونده بین‌المللی مطالعه کرده‌اند. مقاله حیدری‌تبریزی و رزمجو (۱۳۸۴)، یکی از نخستین مقالاتی است که به بررسی گفتمان رسانه‌های ایرانی در چارچوب الگوی جامعه‌شناختی-معنایی ونلیون (۱۹۹۶) پرداخته و نتیجه‌گیری کرده است، در متون فارسی، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی مانند حذف، کتمان، پس‌زمینه‌سازی، ذکر، فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی، عینی‌سازی و ذهنی‌سازی و غیره قابل‌تبیین و کشف است و این مؤلفه‌ها در مقایسه با تظاهرات زبان‌شناختی، تصویر واضح‌تری از متن ارائه می‌دهند.

دامنه تحلیل‌ها در این چارچوب تنها به مطبوعات و رسانه‌های امروزی محدود نبوده است، برای نمونه، پهلوان‌نژاد و دیگران (۱۳۸۸) به بررسی شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با توجه به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی پرداخته و معتقداند در همه متون بررسی‌شده توسط ایشان، کم‌وبیش از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی استفاده شده است و شیوه غالب در بازنمایی کارگزاران اجتماعی، استفاده از مؤلفه‌ها، به این ترتیب است: تشخیص‌بخشی، فعال‌سازی، تشخیص‌زدایی، حذف و منفعل‌سازی. در این نشریات کارگزاران در هیئت انسان‌هایی فعال و پویا بازنمایی شده‌اند، کارگزارانی فعال که پس از رهایی از استبداد در راه پیشرفت جامعه خود می‌کوشند.

پژوهش حاضر، به‌لحاظ نوع داده‌های گردآوری‌شده، نوآور است؛ داده‌هایی که از پیکره وسیع مجله *تایم* از دهه ۱۹۲۰ تا دهه اخیر به‌دست آمده‌است. این پژوهش از نظر بررسی شیوه نام‌گزینی کشور ایران نه‌تنها در چارچوب نظری ونلیون، بلکه در سایر چارچوب‌های نظری مطرح، زیر چتر تحلیل گفتمان انتقادی نیز نوآوری دارد.

در بخش‌های بعدی، به روش انجام پژوهش، گردآوری داده‌ها و چارچوب نظری — یعنی الگوی جامعه‌شناختی-معنایی ونلیون — پرداخته می‌شود.

روش انجام پژوهش و گردآوری داده‌ها

پژوهش حاضر در چارچوب انگاره جامعه‌شناختی-معنایی ون‌لیون انجام پذیرفته و جامعه آماری این پژوهش کلیه اخبار و مقالات منتشرشده، متعلق به بایگانی مجله آمریکایی *تایم* از دهه ۱۹۲۰ تا سال ۲۰۱۰ میلادی است. پژوهشگر در آغاز با مراجعه به مقالات و مطالب یادشده در پیکره برخط <http://corpus.byu.edu/timel> — که بیش از یکصد میلیون کلمه در قالب خبر، مقاله و تحلیل دارد — با جستجوی دو کلیدواژه «ایران»^۱ و «جمهوری اسلامی ایران»^۲ به داده‌های پژوهش دست یافته است. پیکره موردنظر شامل همه بایگانی مجله *تایم* اعم از اخبار، مقالات، سرمقالات و گزارش‌های کوتاه و بلند خبرنگاران مجله، در بازه زمانی دهه ۱۹۲۰ تا سال ۲۰۱۰ میلادی بوده و امکان جست‌وجوی دقیق کلیدواژه‌های موضوع پژوهش را در اختیار پژوهشگران قرار داده است.

مجله *تایم* در فضای رسانه‌ای ایالات‌متحده اعتبار و اهمیت بسیاری دارد و یکی از معتبرترین نشریات آمریکایی است که در حوزه سیاست بین‌الملل به فعالیت مشغول است. نشریه مذکور به همراه هفته‌نامه نیوزویک از مهم‌ترین مجله‌هایی است که توسط کمپانی واشنگتن‌پست منتشر می‌شوند. این دو نشریه، مجلاتی‌اند که چامسکی و هرمن (1988) در کتاب معروف خود به نام *تولید رضایت: اقتصاد سیاسی رسانه‌های جمعی*^۳ از آن‌ها یاد می‌کنند تا وابستگی رسانه‌های آمریکا به اتحادیه‌ها و شرکت‌های بزرگ اقتصادی و تجاری را نشان دهند.

پس از استخراج داده‌ها از میان جامعه آماری، شیوه بازنمایی ایران در دهه‌های مختلف میلادی به ترتیب زمان و نوع اخبار و مطالب، مرتب شد. داده‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که نام ایران در پیکره یادشده بیش از ۵۶۰۰ بار به‌کاررفته است و دهه ۱۹۸۰ میلادی یعنی دهه‌ای که ایران شاهد رخدادهایی مانند پیروزی انقلاب و درگیری جنگ تحمیلی بود، با ۱۹۴۷ خبر، بیش از هر زمان دیگر در مرکز توجه این مجله آمریکایی قرار داشته است. در بخش بعدی این مقاله، شیوه حضور یا عدم‌حضور و نام‌دهی سیستم حکومتی ایران از دهه ۱۹۸۰ — پس از پیروزی انقلاب اسلامی — تاکنون در چارچوب نظری پژوهش، یعنی الگوی ون‌لیون، بررسی می‌شود.

۳. چارچوب نظری پژوهش

تئو ون‌لیون، یکی از پژوهشگران برجسته حوزه تحلیل گفتمان انتقادی است که آثارش طیف وسیعی از پژوهش‌ها را دربرمی‌گیرد. او از پایه‌گذاران این نظریه یا همان حلقه آمستردام است و پس از اخذ مدرک دکترای خود به راهنمایی جیم مارتین، فعالیت‌های مؤثر و چشمگیری در عرصه تحلیل گفتمان داشته است. توجه او به کنش‌گران اجتماعی و نحوه پوشش آن‌ها در رسانه‌ها، همچنین انگاره ارائه‌شده توسط

او درباره نحوه بازنمایی کنش‌گران اجتماعی براساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی (1995) (1996) و آوازه فراوان دارد. ون لیون در آثار متعدد (1993 & 1995; 1996) به معرفی انگاره پیشنهادی خود جهت بازنمایی کنش‌گران اجتماعی پرداخته و در این انگاره در طول دو دهه اخیر (2008) تعدیل‌هایی نیز به عمل آورده است؛ ضمن اینکه روح کلی آن را نسبت به نسخه سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ حفظ کرده است. در اینجا، الگوی جدیدتر وی مبنای نظری پژوهش قرار گرفته است. این انگاره برای بازنمایی کنش‌گران اجتماعی در قالب رویکرد جامعه‌شناختی-معنایی مطلوب نظر ون لیون از دو سازوکار اصلی جذب^{۱۱} و طرد^{۱۲} بهره می‌گیرد. به عبارت دیگر، هر گفتمانی را می‌توان نسبت به رویکرد جذبی یا طردی آن نسبت به یک کنش‌گر تحلیل کرد. در پژوهش حاضر این کنش‌گر نه یک فرد، بلکه نام یک کشور به عنوان هویت جمعی گروهی بسیار از افراد است.

انگاره ون لیون دارای شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های متنوعی است؛ اما به دلیل رعایت اختصار، در این مقاله، آن بخش‌هایی از انگاره معرفی شده‌اند که در پژوهش حاضر اهمیت داشته‌اند و در تحلیل داده‌ها از آن‌ها استفاده شده است.

همان‌طور که گفته شد، الگوی ون لیون در سطح نخست به دو مؤلفه جذب و طرد تقسیم می‌شود. منظور از طرد در گفتمان، فرایندی است که در آن کنش‌گر اجتماعی از گفتمان حذف می‌شود. این سازوکار خود به دو زیرمجموعه پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی تقسیم می‌شود.^{۱۳} فرایند پنهان‌سازی فرایندی است که طی آن کنش‌گران اجتماعی و فعالیت‌های آن‌ها به‌طور کامل حذف می‌شوند و ون لیون آن را طرد افراطی می‌نامد؛ در حالی که در کم‌رنگ‌سازی، اگرچه کنش‌گر از گفتمان حذف می‌شود؛ نشان و ردپایی از کنش‌هایش در متن قابل‌بازیابی است و می‌توان به تلویح به حضور و کنش‌گری وی پی‌برد. منظور از جذب، وجود و حضور کنش‌گران اجتماعی در گفتمان است که با شیوه‌های متنوعی بیان می‌شود:

الف) فعال‌سازی در برابر منفعل‌سازی^{۱۴}؛

ب) مشارکت، موقعیت‌سازی و منتفع‌سازی^{۱۵}؛

ج) تشخیص بخشی / تشخیص زدایی^{۱۶}.

منظور از فعال‌سازی، بیان کنش‌گران اجتماعی در قالب معلوم، و منظور از منفعل‌سازی، تحت عمل قرارگرفتن یا معطوف‌شدن نتیجه عمل به سوی کنش‌گران است که این فرایند می‌تواند با نقش‌های دستوری اعطاشده به مشارکین، تجلی یابد. ون لیون همچنین دو راهکار برای منفعل‌سازی معرفی می‌کند:

الف) مطیع‌سازی^{۱۷}؛

ب) بهره‌ورسازی^{۱۸}.

مطیع‌سازی، فرایندی است که خود به کمک فرایندهایی مانند مشارکت کنش‌گرهای اجتماعی منفعل در مقام هدف^{۱۹} در فرایندهای مادی، پدیده^{۲۰}، در فرایندهای ذهنی؛ و یا در نقش حامل^{۲۱} در فرایندهای اسنادی^{۲۲}، موقعیت‌سازی با استفاده از افزوده‌های حاشیه‌ای و ملکی‌سازی به‌انجام می‌رسد. سومین سازوکار فعال‌سازی، استفاده از راهکار تشخیص‌بخشی^{۲۳} در برابر تشخیص‌زدایی^{۲۴} است. در تشخیص‌بخشی، کنش‌گرهای اجتماعی در مقام انسان و یا با ضمیرهای شخصی یا ملکی، اسامی خاص و مواردی که دارای مشخصهٔ ممیز انسان‌بودن است، بیان می‌شوند و در تشخیص‌زدایی فرایندی عکس آنچه ذکر شد، رخ می‌دهد.

همان‌طور که اشاره شد، تشخیص‌بخشی دو زیرمجموعهٔ اصلی به نام‌های مشخص‌سازی و نام‌مشخص‌سازی دارد که در فرایند مشخص‌سازی، هویت کنش‌گر اجتماعی به‌شیوه‌ای بارز و مشخص، بیان می‌شود؛ اما در نام‌مشخص‌سازی، کنش‌گرهای اجتماعی به‌صورت اشخاص ناشناس، گمنام و بدون هویت معین بازنمایی می‌شوند.

ون‌لیون پیونددهی را شیوهٔ دیگری می‌داند که از طریق آن می‌توان کنش‌گرهای اجتماعی را در قالب یک گروه بازنمایی کرد. منظور از پیونددهی تشکیل‌دادن گروه‌هایی از کنش‌گران اجتماعی است که دربارهٔ موضوعی با هم یک‌صدا و هم‌نظراند و به‌واسطهٔ این هم‌رأیی و موافقت، در یک گروه انگاشته می‌شوند؛ البته باید توجه داشت که این گروه‌ها دارای ثبات و ریشه نیستند و ممکن است در سایر موضوعات هیچ نزدیکی و یکسانی‌ای با یکدیگر نداشته باشند.

منظور از فرایند تفکیک‌کردن، تمایز یک کنش‌گر (یا گروهی از کنش‌گران) اجتماعی از دیگر کنش‌گر(های) مشابه است. در فرایند نام‌دهی، کنش‌گرهای اجتماعی براساس نام و هویت یگانهٔ خود یاد می‌شوند؛ اما در فرایند مقوله‌بندی، به‌جای ذکر هویت فردی، کنش‌گر اجتماعی در قالب مقوله و دسته‌بندی خاصی که برخاسته از نقش‌ها و هویت مشترک است، بازنمایی می‌شود. مؤلفه‌های مقوله‌بندی و نام‌دهی، خود دارای زیرمجموعه‌های متنوعی‌اند. ون‌لیون مقوله‌بندی را به سه زیرمؤلفهٔ نقش‌دهی^{۲۵}، هویت‌دهی^{۲۶} و ارزش‌دهی^{۲۷} تقسیم می‌کند.

هویت‌دهی در الگوی ون‌لیون خود دارای سه زیربخش به نام‌های هویت‌دهی طبقه‌ای^{۲۸}، هویت‌دهی نسبتی^{۲۹} و هویت‌دهی ظاهری^{۳۰} است.

هویت‌دهی طبقه‌ای براساس دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های مهم، آشکار و مبینی بر نهادهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی، قومی، گرایش‌های جنسیتی و مواردی از این دست انجام می‌شود. هویت‌دهی نسبتی، بر روابط فامیلی و خویشاوندی مانند پدربزرگ، دوست، همکار و غیره استوار است. در هویت‌دهی ظاهری نیز کنش‌گرهای اجتماعی براساس ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری‌شان مانند رنگ پوست، چهره، قد، وزن و غیره بازنمایی می‌شوند.



در زیرمقوله ارزش‌دهی، فرانشی بینافردی مورد تأکید است و طی آن کنش‌گرهای اجتماعی با ارزشیابی و قضاوت گوینده و نویسنده بازنمایی می‌شوند.

ون لیون زیرمؤلفه نام‌دهی را به دو بخش تقسیم می‌کند:

الف) نام‌دهی رسمی / نیمه‌رسمی / غیررسمی^{۳۱}؛

ب) عنوان‌دهی / عنوان‌زدایی^{۳۲}.

عنوان‌دهی خود به دو زیربخش مقام‌دهی^{۳۳} و نسبت‌دهی^{۳۴} تقسیم می‌شود. در مقام‌دهی عنوان‌های رسمی و رتبه‌های شغلی و علمی مانند «دکتر» و «استاد» ذکر می‌شود و در نسبت‌دهی، نسبت‌های فامیلی مانند «پدر» و «عمو».

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱ نشان‌دهنده میزان و توزیع بسامد دو کلیدواژه اصلی این پژوهش یعنی «ایران» و «جمهوری اسلامی ایران» در پیکره مطالب مجله تایم است. همان‌طور که مشهود است، روی هم‌رفته نام ایران بیش از ۵۶۰۰ بار در این مجله به کار رفته است که ۳۰۰۹ مرتبه از آن به دهه ۱۹۸۰ میلادی و پس از آن، یعنی دوران پس از پیروزی جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد؛ با این حال تنها هشت مورد کاربرد عبارت «جمهوری اسلامی ایران» به عنوان نام رسمی نظام حکومتی کشور ایران در این مجله به چشم می‌خورد.

جدول ۱ بسامد کلیدواژه‌های «ایران» و «جمهوری اسلامی ایران» در پیکره مجله تایم

Figure 1 Frequency of the Key words "Iran" and "Republic Islamic of Iran in the Corpus of Time

کلیدواژه	بسامد در دهه ۱۹۲۰	بسامد در دهه ۱۹۳۰	بسامد در دهه ۱۹۴۰	بسامد در دهه ۱۹۵۰	بسامد در دهه ۱۹۶۰	بسامد در دهه ۱۹۷۰	بسامد در دهه ۱۹۸۰	بسامد در دهه ۱۹۹۰	بسامد در دهه ۲۰۰۰-۲۰۱۰	بسامد کل
Iran	۳	۷۱	۲۹۲	۸۵۸	۳۸۲	۱۰۱۶	۱۹۴۷	۵۵۵	۵۰۷	۵۶۳۱
Islamic Republic of Iran	-	-	-	-	-	-	۴	۱	۳	۸

نخستین مورد کاربرد نام ایران در مجله تایم به سال ۱۹۲۴ میلادی و مقاله‌ای با نام «هنوز شاه»^{۳۵} بازمی‌گردد. در مجموع نام «ایران» در پیکره مذکور بیش از ۵۶۰۰ مرتبه تکرار شده است که ۳۰۰۹ مرتبه آن به سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد، در مقابل، تنها هشت مرتبه عنوان

«جمهوری اسلامی ایران» در مطالب این مجله به کار رفته است که جدول شماره ۲ نشان دهنده نوع و بافت زبانی این مطالب و اخبار به همراه تاریخ انتشار آن‌ها است:

جدول ۲ عنوان، تاریخ و بافت زبانی اخبار دارای عنوان «جمهوری اسلامی ایران»

Figure 2 Title, Date and Linguistic Contexts of News with the Title of "Republic Islamic of Iran"

بافت زبانی	تاریخ انتشار	عنوان مطلب	ردیف
# The flames of vengeance once again raged over the Islamic Republic of Iran . The government took the extraordinary step last week of closing its borders for four days as officials marshaled a gigantic man hunt for fugitives accused of involvement in a military plot to overthrow the regime of Ayatullah Ruhollah Khomeini.	1980/10/28	STALKING THE CONSPIRATORS	۱
The attempted rescue, said the official Soviet news agency, TASS, was an "armed provocation against the Islamic Republic of Iran ". In the kind of stinging personal attack that was shelved during the heyday of detente, TASS accused Carter of being guided by "purely egoistic and narrow political considerations".	1980/01/05	Shock, anger	۲
Both the Majlis action and Carter's initial response came a few hours later The assembly approved the four demands set forth by Ayatullah Ruhollah Khomeini as conditions for the release of the hostages a U.S. pledge not to interfere, "either directly or indirectly, politically or militarily, in the affairs of the Islamic Republic of Iran "; return of the fortune of "the cursed Shah"; unfreezing of Iranian assets in U.S. banks; and cancellation of U.S. legal and financial claims against Iran.	1980/11/10	Hope for the Hostages	۳
# Nor was there any difference between wanton brutality and justice in the Islamic Republic of Iran last week as security forces stepped up their search for former President Banisadr and his supporters	1981/03/06	Terror in the Name of God	۴
# To most Americans, the Islamic Republic of Iran is known for denouncing the Great Satan U.S., swearing out fatwas on any renegade soul and defining women's rights as the privilege of wearing a chador. For two decades, Iran has been, notoriously, fascism with a cleric's face.	1999/03/15	The Kids Are All Right	۵
Reza Khatami, the brother of the President of the Islamic Republic of Iran , is in the back of a silver Oldsmobile racing toward the next campaign stop. Fighting Tehran's afternoon rush hour, his driver maneuvers between the lanes and cuts off other cars while en route from a student rally to address older voters in a mosque out of town.	2000/02/21	The Vote In Iran	۶



ادامه جدول ۲

بافت زبانی	تاریخ انتشار	عنوان مطلب	ردیف
With music still frowned upon, the Islamic Republic of Iran has no true pop stars. But Akbar Ganji is mobbed like one nearly everywhere he goes these days. When Iran's No. 1 muckraking journalist attended a lecture at Tehran University last month, students whistled and chanted his name until he went onstage and gave a speech. At an election rally featuring the country's most popular reform politicians, it was Ganji who brought down the house. "Ganji! Ganji!" The crowd roared when he arrived. Once a functionary in the Revolutionary	2000/03/06	Gangsta Cops	۷
In the repressive Islamic Republic of Iran , a cleric isn't a very popular thing to be nowadays. Mohsen Kadivar is a celebrated exception. A theorist behind Iran's struggling democracy movement, the modest mullah packs lecture halls like a pop star and attracts readers like a pulp-fiction author.	2004/01/03	A Google for Global Politics	۸

این در حالی است که هم‌آیی واژه «ایران» با کلمه «رژیم» از بسامد بیشتری نسبت به نام و عنوان رسمی کشور برخوردار است و در بازه زمانی ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۸ نوزده مورد کاربرد اصطلاح «رژیم ایران» در این نشریه آمریکایی به‌کاررفته‌است که تنها سه مورد از آن‌ها به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی (سال‌های ۱۹۵۳، ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰) بازمی‌گشته‌است؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، کاربرد این ترکیب زبانی رشد چشمگیری داشته و تا سال ۲۰۰۶، شانزده مورد از آن به‌کاررفته‌است. در این شانزده مورد همواره آنچه به‌جای عنوان رسمی کشور—«جمهوری اسلامی ایران» — استفاده شده دارای سوگیری‌های مشخص و حتی توهین‌آمیزی است. نام‌دهی‌هایی مانند «رژیم مذهبی»، «رژیم بنیادگرا» و «رژیم شیعه در ایران» که گاه حتی به‌صورت «رژیم روانی»، «رژیم نظامی» هم دیده شده‌اند و تصویری سوگیرانه از ایران را در این نشریه، فراروی مخاطبان آن قرار داده‌اند. در مقابل شانزده مرتبه‌ای که اصطلاح «رژیم ایران» با صفت‌ها و هم‌آیندهای سوگیرانه به‌کاررفته‌است، در همین پیکره تنها یک‌مرتبه اصطلاح «رژیم اسرائیل»، آن هم در بافتی خنثی مربوط به یکی از دولت‌های این رژیم مشاهده می‌شود؛ این در حالی است که اصطلاح «رژیم»، بیش از پنج‌بار برای مخالفان اسرائیل استفاده شده است، مانند:

Iran is a regime that denies Israel's right to exist in any borders and is a principal sponsor of Hezbollah. (2003/03/17).

Most Hamas bosses in the Gaza Strip consider **Abbas' regime** a puppet of Israel and the U.S. (2003/12/26)

همچنین، باید یادآوری کرد، در این پیکره، واژه «اسراییل» از سال ۱۹۳۶، ۱۲۴ مورد کاربرد داشته است.

به اختصار می‌توان گفت، شیوه نام‌دهی و حضور یا عدم حضور «جمهوری اسلامی ایران»، در مجله **تایم**، نشان‌دهنده سیاست حذف از نوع افراطی و یا کم‌رنگ‌سازی همراه با هویت‌بخشی منفی از طریق کاربرد صفت‌های سوگیرانه‌ای همچون موارد ذکر شده در بالاست. محدود کردن جمهوری اسلامی ایران با عناوینی مانند «رژیم آیت الله خمینی» نیز نشان‌دهنده کوشش این نشریه در محدودسازی نام رسمی کشور است و سیستم حکومتی را که متعلق به تمام افراد جامعه است، تنها به یک فرد محدود کرده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش میزان حضور ایران و شیوه‌های بازنمایی ایران/ جمهوری اسلامی ایران در مطالب منتشرشده در نشریه آمریکایی **تایم** در چارچوب الگوی جامعه شناختی-معنایی ون لیون بررسی شد. همان‌طور که بررسی داده‌ها نشان داد، دهه ۱۹۸۰ میلادی یعنی نخستین دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با ۳۴.۵ درصد، بیشترین میزان بسامد استفاده از نام ایران را در پیکره مورد مطالعه شامل شده است. در این دهه مسائلی مانند پیروزی انقلاب، مسئله گروگان‌های آمریکایی و تسخیر سفارت آمریکا در تهران و مهم‌تر از همه جنگ تحمیلی از مواردی بوده است که ایران را به‌طرز چشمگیری در معرض توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار داده بود. از میان هشت مورد کاربرد عنوان جمهوری اسلامی ایران در این نشریه، چهار مورد یعنی ۵۰ درصد به همین دهه بازمی‌گردد. ایران به‌عنوان یک کشور مهم در معادلات بین‌المللی بسامد نسبتاً بالایی در مطالب این نشریه داشته است و در انواع اخبار و مطالب این مجله، به این کشور و حوادث مربوط به آن پرداخته شده است؛ اما موارد مربوط به ذکر عنوان رسمی نظام حکومتی کشورمان در مطالب این نشریه به‌طرز قابل‌اعتنایی پایین بوده است و مشمول سیاست طرد رسانه‌ای قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که تنها ۰.۱۴ درصد از موارد نام‌دهی ایران، از عنوان «جمهوری اسلامی ایران» استفاده شده و این طرد از نوع افراطی آن بوده است. بررسی موارد مربوط به جذب، در چارچوب نظری پژوهش، نتایج جالب‌توجهی در برداشت و مشاهده شد که کنش‌گران اصلی این هشت خبر عمدتاً مقامات رسمی ایران بوده که در کنش‌هایی خشونت‌بار^{۳۶} درگیر بوده‌اند. کنش‌گرانی که در مجموع این هشت مورد دارای کنش‌های مثبت به تصویر کشیده شده‌اند، از افراد مخالف نظام ایران بوده‌اند. در مجموع از بررسی داده‌های پژوهش حاضر نتایج زیر به دست آمده است:

۱. ایران به‌عنوان یک کشور تأثیرگذار در منطقه و جهان دارای بسامد بالایی در اخبار مجله **تایم** بوده است.^{۳۷}
 ۲. نام نظام حکومتی کشور ایران با حذف افراطی و پنهان‌سازی کامل روبه‌رو بوده و تنها هشت مورد نام «جمهوری اسلامی ایران» در مطالب این نشریه به‌کاررفته است. نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه‌های این پژوهش را تأیید می‌کند؛ بنابراین میان رویکرد نشریه یادشده با نحوه نام‌دهی و پوشش اخبار مربوط به ایران، نسبت و رابطه مشخص و معناداری برقرار است.
 ۳. کنش‌های مربوط به این هشت مورد، همگی از نوع منفی و خشونت‌بار بوده است و کنش‌گران مربوط به دولت ایران در این اخبار طی فرایندهایی مانند تشخیص‌بخشی / تشخیص‌زدایی به‌شیوه‌ای عامدانه افرادی خشونت‌طلب و منفی تصویر شده‌اند. تنها مواردی که کنش‌گران این هشت خبر با همدلی مجله **تایم** روبه‌رو بوده‌اند، مربوط به مخالفان نظام بوده است.
 ۴. کاربرد اصطلاح «رژیم ایران» دقیقاً دوبرابر کاربرد نام نظام رسمی حکومتی این کشور بوده است و تقریباً در همه موارد، ترکیب «رژیم ایران» با صفت‌هایی منفی و حتی توهین‌آمیز همراه شده است؛ این در حالی است که برای نمونه، کاربرد اصطلاح «رژیم اسرائیل» در مطالب این نشریه درحد صفر است که این موضوع نیز می‌تواند مؤید نوع سوگیری مطالب نشریه **تایم** نسبت به ایران باشد.
 ۵. در مطالب این نشریه نوعی تفکیک میان «ایران» و «جمهوری اسلامی ایران» مشاهده می‌شود که در مورد نخست، گستره و بازه متنوعی از اخبار و مطالب وجود دارد؛ اما در مورد دوم، تصویرسازی منفی و سوگیری نسبتاً آشکاری به‌چشم می‌خورد. نسبت‌دادن صفت‌هایی مانند: روانی، نظامی، مذهبی، بنیادگرا و ... همگی نشان از تشخیص‌بخشی منفی نسبت به نظام رسمی کشور ایران دارد. به‌نظر می‌رسد، نشریه **تایم** می‌کوشد نوعی تفکیک خودخواسته میان ایران و حکومت ایران در ذهن خوانندگان خود ایجاد کند.
- به‌اجمال و در پاسخ به پرسش نخست پژوهش می‌توان گفت، میان میزان بسامد اخبار منتشرشده از ایران در دهه‌های مختلف بسته به نوع حوادث و نقش‌آفرینی ایران در عرصه بین‌المللی، تفاوت معنی‌داری دیده می‌شود و در پاسخ به پرسش دوم این پژوهش، مشخص است که عنوان نظام حکومتی کشور ایران با سازوکارهای طرد زبانی از جمله پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی، بسامد ناچیزی در پیکره یادشده دارد و فرایند هویت‌دهی کنش‌گران مربوطه نیز همراه با سوگیری‌های آشکار، در مسیر منفی‌نمایی است.
- بررسی داده‌های این پژوهش بیانگر تصویرسازی هدفمند و سوگیرانه نشریه معتبر و پرنفوذ **تایم** دربرابر کشور ایران است و نتایج آن می‌تواند، افزون‌بر دستاوردهای پژوهشی، حتی برای مخاطبان عام رسانه‌های مهم بین‌المللی نیز مفید واقع شود و دیدگاه انتقادی ایشان را نسبت به رسانه و سوگیری‌های آن تقویت کند.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. critical discourse analysis (CDA)
2. Fairclough
3. Van Dijk
4. Fowler
5. Galtung & Ruge
6. the structure of foreign news
7. Van Leeuwen
8. Iran
9. Islamic Republic of Iran
10. *Manufacturing Consent: The Political Economy of the Mass Media*
11. inclusion
12. exclusion
13. Chomsky & Herman
14. activation/passivation
15. participation/circumstantialisation/possessivisation
16. personalization/impersonalization
17. subjection
18. beneficialization
19. goal
20. phenomenon
21. carrier
22. attributive
23. personification
24. impersonification
25. functionalization
26. identification
27. appraisalment
28. classification
29. relational identification
30. physical identification
31. formalization/semiformalization/informalization
32. titulation/detitulation
33. honorification
34. affiliation
35. «Still Shah»

۳۶. مانند «بستن مرزهای کشور در اقدامی غیرمتعارف و انتقام‌جویانه به مدت چهارروز»، «مشارکت در گروگان‌گیری»، «مخالفت با موسیقی و هنر»، «تحت حمایت شوروی سابق بودن» و ...

۳۷. در مقابل ۵۶۰۰ مورد کاربرد نام ایران، بسامد نام یکی از مهم‌ترین کشورهای رقیب ایران در منطقه، یعنی عربستان سعودی تنها ۲۱۰۵ مورد، یعنی کمتر از نیمی از موارد مربوط به نام ایران بوده است.

۷. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس، رضا خیرآبادی و ارسلان گلفام (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنش‌گران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون‌لیون)». *جستارهای زبانی*. د. ۴. ش ۱ (پیاپی ۱۳). فروردین. صص ۱-۱۹.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا، رحمان صحراگرد و محمدهادی فلاحتی (۱۳۸۸). «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه ازمنظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی» *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. پاییز و زمستان. (۱)۱. صص ۵۱-۷۳.
- حیدری‌تبریزی، حسین و سیدآیت‌الله رزمجو (۱۳۸۴). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*. تابستان. ۴۸ (۱۹۵). صص ۱-۳۴.
- یارمحمدی، لطف‌الله و لیدا سیف (۱۳۸۳). «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی». *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

References:

- Aghagolzade, Ferdows, R. Kheirabadi & A. Golfam (2013). "The comparative study of the linguistic representation of Iranian and western actors of Iran's nuclear program in international media (Van Leeuwen's Model (2008))." *Language Related Research*. Vol.4. No.1. Pp. 1-19 [In Persian].
- Chomsky, N. & E. S. Herman (1998). *Manufacturing Consent*. New York: Pantheon Books.
- Fairclough, N. (2001). *Language and Power*. London: Longman.
- ----- (2003). *Analysing Discourse*. London: Routledge.
- Fowler, R. (1991). *Language in the News*. London: Routledge.
- Galtung, J. & M. H. Ruge (1965). "The structure of foreign news: The presentation of the Congo, Cuba and Cyprus crises in four Norwegian newspapers". *Journal of Peace Research*. 2 (1). Pp. 64-90.
- Heidari Tabrizi, H. & S. A. Razmjoo (2005). "The representation of social actors in

- Persian discourses” *Journal of Humanities Faculty of Tabriz University*. Vol.48. No.195. Pp. 1-34 [In Persian].
- Pahlevannejad, M. R., R. Sahragard & M. H. Fallahi (2009). “The methods of representing social activities in the publications of Mashroudiyat period from a critical discourse analysis perspective regarding socio-semantic discursual features” *Linguistics and Khorasan Dialects Journal* . Vol. 1. No.1. Pp. 51-73 [In Persian].
 - Van Dijk, T. A. (1989). *News as Discourse*. Hillsdale. NJ: L. Erlbaum Associates.
 - Van Leeuwen, T. (1993). *Language and Representation: The Recontextualisation of Participants, Activities and Reactions*. Ph.D. Dissertation, University of Sydney.
 - ----- (1995). “Representing social action”. *Discourse and Society* 6(1). Pp. 81–106.
 - ----- (1996). “The representation of social actors.” In C. R. Caldas-Coulthard and M. Coulthard (Eds.). *Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis* .Pp. 32–70. London: Routledge.
 - ----- (2008). *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford university press.
 - Yarmohammadi, L. & L. Seif (2004). “The representation of social actors in Palestine and Israel conflict: Critical discourse analysis with respect to the socio-semantic features.” The sixth conference on linguistics. Tehran: Alame Tabatabaie University Press [In Persian].